



## ۱۰ آبان ۱۵۷۴

پیشینهاد

### شب «کردستان»

نخستین برنامه از سلسله برنامه‌های موسوم به «شب‌های وحدت ملی» درباره «کردستان» باحضور سیدمصطفی محقق داماد، اسعد شیخ‌الاسلامی، اسماعیل شمس، ژیل‌اسجادی و شهرام ناظری، امروز ساعت ۱۷ در کانون زبان پارسی واقع در خیابان ولی عصر، سه‌راه زعفرانیه، خیابان عارف‌نوب، شماره ۱۲ برگزار می‌شود.

### بررسی «فرهنگ فارسی»

نشست معرفی و بررسی کتاب «فرهنگ فارسی» باحضور غلامحسین صدری‌افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی وحسن هاشمی میناباد، امروز ساعت ۱۶ در سرای اهل قلم واقع در خیابان انقلاب اسلامی، خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ برگزار می‌شود.

### همایش پژوهش اجتماعی و فرهنگی

نشست گروه جامعه‌شناسی تاریخی در چهارمین همایش ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران، امروز ساعت ۱۶:۳۰ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی واقع در تقاطع همت و شریعتی، خیابان گل‌نیل (کتلی) برگزار می‌شود.

### زنان استان ایلام

نشست «بررسی وضعیت زنان غرب کشور)با تأکید بر زنان استان ایلام)» با سخنرانی حیران پورنحیف، امروز ساعت ۱۶ در دانشگاه فرهنگی کتابخانه ملی ایران واقع در بزرگراه حقانی (غرب به شرق)، خروجی کتابخانه ملی برگزار می‌شود.

### خداشناسی اشعار سنایی

نشست «سیری در خداشناسی سنایی» امروز ساعت ۱۶:۳۰ با سخنرانی سمانه فیضی در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمدقصر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود.

### رونمایی آلبوم متبسم و تاج

آلبوم «تار و پود» به آهنگسازی حمیدمتبسم و خوانندگی وحید تاج، بر اساس اشعار خسرو و شیرین نظامی گنجوی، امروز ساعت ۱۱ صبح در فرهنگسرای نیاوران واقع در انتهای خیابان پاسداران، روبه‌روی پارک نیاوران رونمایی می‌شود.

### پوسترهای «ابراهیم حقیقی»

نشست «شانه‌ها و پوسترهای ابراهیم حقیقی و نقد آثار و شیوه میرزا غلامرضا اصفهانی» با حضور ابراهیم حقیقی و جواد بختیاری، امروز ساعت ۱۷ در فرهنگسرای ارسباران به نشانی خیابان دکتر شریعتی، سیدخندان، خیابان جلفا برگزار می‌شود.

### اندیشه شهرسازی در ایران

نشست «اندیشه شهر و شهرسازی در ایران» با سخنرانی سیدمهدی مجابی، امروز ساعت ۱۶ در دانشکده‌مرمت‌دانشگاهنن اصفهان برپا می‌شود.

### بافت پارچه‌های ساسانی

نشست تخصصی «طرح، نقش و تکنیک بافت پارچه‌های دوره ساسانی و تاثیر آن بر پارچه‌های دوره آل بویه»، با حضور محمدرضا ریاضی و زهره روح‌فر، امروز ساعت ۱۴ در فرهنگستان هنر به نشانی خیابان ولی عصر، پایین‌تر از خیابان طالقانی، شماره ۱۵۵۲ برگزار می‌شود.

### گزارش

### مکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

### عکس

## ● شکوه قمیعی ●

روزنامه نگار

زمستان ۸۷ بود که با اتمام امتحان های دانشگاه از اهواز آمدم تهران، به هوای جشنواره فیلم فجر؛ هدف غایی تماشای فیلم «وقتی همه خوابیم» بهرام بیضایی بود. تهران را بلد نبودم و بی توجه به راهنمایی‌های دوستی که آن یک هفته مهمانش بودم نقشه تهران و جدول برنامه‌ها را پیش رویم می‌گذاشتم و دنبال باغ فردوس، موزه سینما می‌گشتم که مبادا دیر بر سرم و نوبتم نشود. پیش از راه افتادن از اهواز، جویای سردی و گرمی هوای تهران شده بودم، می‌گفتند خنک شده و کوله‌ات را بپهوده ستکین نکن. نزدیک تهران که شدم هوا آفتابی بود که صدای دوست مذکور از پشت تلفن گفتم: «شکوه داره بر ف میاد» با تعجب از پنجره اتوبوس بیرون نگاه کردم و گفتم: «اینجا که آفتابه»، گفتم: «میرداماد بر ف». من سرمایی

خودم را آماده نبردی سخت کردم و هوا هم کم نگذاشت برایم و آن دو، سه روز، کامل برف بارید. ظهر اکران فیلم بیضایی از خانه بیرون زدم و پسران پسران رسیدم باغ موزه؛ صف شکل گرفته بود، با همه عجله دیر رسیده بودم. پاهایم تا منج توی برف بود اما به جد منتظر ماندم که لحظه آغاز سانس برسد و بلیت بخرم. چشم‌هایم را بستم و آثار بیضایی را در ذهنم مرور کردم:

#### فیلم‌هایش

«ر گبار» و عشق آقای حکمتی‌اش با بازی پرویز فنی‌زاده و جمشید لایق و حسین کسبیان از جلوی نظرم گذشتند. فیلمی که خود بیضایی ادعان داشت با دست خالی ساخته، اما در مقابل بدقلقی‌های تهیه‌کننده دوام آورده تا امید به آینده‌اش از کف نرود. زخم‌های آیت «غریبه و مع» با بازی خسرو شجاع‌زاده و کنجکاوی پروانه معصومی، در نقش رعنا، برای کشف غریبه‌ای که

میان مه در قایقی به آبادی‌شان رسیده است در خیالم می‌نشینند و حرکت دورانی و سیزیفی آیت چرخش آغاز می‌کند. صدای مشتاقان بیضایی از خیال بیرون‌ام می‌کشد. یکی می‌گفت «بیضایی وقتی همه خوابیم را برای اعتراض به دخالت‌کننده‌ها که می‌خواهند در کار کارگردان که خود از تهیه‌کننده ساخته است»؛ شاید؛ بیضایی هم قبل، ۸۶، «لبه پر نگاه»ش به‌خاطر اختلاف با تهیه‌کننده نیمه‌کاره ماند و رها شد. دوباره سر در گریبان خیال می‌برم: «باشو، غریبه کوچک»ی که به‌خاطر جنگ‌زدگی خانواده با او احساس قربت می‌کردم؛ باشو گفتن‌های سوسن تسلیمی در نقش نایب‌جان در گوشم پیچید، اینکه نایب و باشو زبان هم را نمی‌فهمیدند اما چقدر همدیگر را فهمیدند. اینکه زبان تنها وسیله‌ای است برای دور کردن آدم‌ها از هم. آسبیه و جوانی گمشده مادرِ فیلم «کلاغ»؛ پسرپچه‌های «سفر» و وهم

یافتن والدینشان به امید زندگی بهتر؛ یاد تارای بیضایی افتادم با بازی حماسی سوسن تسلیمی، که با کیفیت بسیار بد یافته و دیده بودمش، با آن شمشیر اساطیری و بخشش و کینه توأمان دریا برای وصل و فصل «چریکه تار» در پشت چشمانم خروشید؛ اولین فیلم توقیفی بعد از انقلاب بود و اولین فیلم ایرانی که رفته بود جشنواره کن. یکپو «سگ کشی» خودش را می‌اندازد وسط، سگ کشی به معنای واقعی. ۱۳۰۱۲ ساله بودم که روی پرده جادویی دیدم‌اش. هنوز از روابط پیچیده آدم‌ها و سیاهی‌هایش سرد نمی‌آوردم. زنی قهر کرده از شوهرش، به شک رابطه با منشی شرکت، میترا حجار – که نقش شوهر، ناصر معاصر را هم مجید مظفری بازی می‌کرد– حالا برگشته بود تا بدهی‌ها و خنجر از پشت شریک شوهر را جبران کند که در پایان تمام‌قاعده‌ها به‌هم می‌ریزد؛ تمام رخ و مقاومت فیلمی که قرار بود سیاهوسفید باشد و به‌خاطر نبود امکانات

### ادامه از صفحه ۱۳

## امید به درخشش نسل جدید

هوشنگ گلمکانی پس از تقدیر از عبدالله تربیت، مترجم پیشکسوت آثار سینمایی به پاس یک عمر تلاش صادقانه گفت: من او را از ۴۱ سال پیش می‌شناسم و از زمانی کهمجله فیلم منتشر شد، او را رهنمایان ما بود؛ گرچه کم‌کار بوده و هست و اطلاعات عمومی بسیاری دار، اما نمی‌دانم چرا با این دانش کم‌کار است. اگر من دانش او را داشتم، تاکنون ۵۰ کتاب چاپ کرده‌بودم و امیدوارم این تشویق‌های امروز باعث انگیزه در ایشان شود. عبدالله تربیت نیز بیان کرده‌مستشر که انجمن منتقدان پادشان آمد که نامی از من نبردند. از ۵۰ سال پیش این حرفه را آغاز کردم و نتیجه‌اش هم چند کتاب سینمایی بوده که مهم هستند و با استقبال در ایران و جهان مواجه شدند. من آدمی بودم که خودم را برای دیده شدن جلو نینداختم‌ام و کار خودم را می‌کنم. در ادامه کیومرث پورا احمد و آیدین آغداشلو برای تقدیر از مسعود مهرایی؛ روزنامه‌نگار و نویسنده حاضر شدند. آغداشلو ضمن ادای احترام به مهرایی گفت: پیش از انقلاب او در روزنامه‌ای کار می‌کرد و روح طنزش خوب بود. بعدها بارها دیدمش مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب. از من مراقبت کرد و این نشانه روح گسترده اوست و اینکه چه سماجتی به خرج داد برای انتشار مجلات و اسباب ترقی افراد فراهم کرد و بسیار شریف است. شریف ماندن مسئله سختی است. اگر آدم شریف باشد، کارهایش درست و ماندگار خواهد شد. مسعود مهرایی بعد از دریافت تندیس خود بیان کرد: از هیأت داوران و بیانیه‌ای که خوانده شد متشکر می‌کنم. ولی یک نکته‌من در سایت این انجمن دنبال آن بودم که ببینم درباره‌صیانت از نقد متنی نوشته شده‌است یا نه، ولی چیزی نیافتم. در بیانیه به نکاتی اشاره شد، تا چه‌اندازه صیانت از نقد است؟

سپس حمیدرضا مدقق برای برنامه شهر رنگ، پورا یا ذوالفقاری برای نقد فیلم «فروشنده»، یاشار نورایی برای نقد فیلم «آرایش غلیظ»، نیما حسنی نسب برای «گفت‌وگو با مسعود دهنمکی»، مهرداد فراهانی و زهرا عزیزمحمدی برای بهترین گزارش سینمایی، آرغوان آشتی برای بهترین ترجمه سینمایی، بابک کریمی و سعیده طاهری برای جایزه دوم ترجمه سینمایی، نینوشا صدر برای بهترین مقاله تحلیلی، امیرحسین سیادت برای مقاله تحلیلی-سینمایی و شاپور شهپازی برای بهترین مقاله تحلیلی -سینمایی به‌عنوان برگزیدگان این دوره معرفی شدند.

سپروس الوند پس از اهدای جوایز اظهار کرد: کار منتقد تربیت تماشاگر

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

### ادامه از صفحه ۱۳

## امید به درخشش نسل جدید

هوشنگ گلمکانی پس از تقدیر از عبدالله تربیت، مترجم پیشکسوت آثار سینمایی به پاس یک عمر تلاش صادقانه گفت: من او را از ۴۱ سال پیش می‌شناسم و از زمانی کهمجله فیلم منتشر شد، او را رهنمایان ما بود؛ گرچه کم‌کار بوده و هست و اطلاعات عمومی بسیاری دار، اما نمی‌دانم چرا با این دانش کم‌کار است. اگر من دانش او را داشتم، تاکنون ۵۰ کتاب چاپ کرده‌بودم و امیدوارم این تشویق‌های امروز باعث انگیزه در ایشان شود. عبدالله تربیت نیز بیان کرده‌مستشر که انجمن منتقدان پادشان آمد که نامی از من نبردند. از ۵۰ سال پیش این حرفه را آغاز کردم و نتیجه‌اش هم چند کتاب سینمایی بوده که مهم هستند و با استقبال در ایران و جهان مواجه شدند. من آدمی بودم که خودم را برای دیده شدن جلو نینداختم‌ام و کار خودم را می‌کنم. در ادامه کیومرث پورا احمد و آیدین آغداشلو برای تقدیر از مسعود مهرایی؛ روزنامه‌نگار و نویسنده حاضر شدند. آغداشلو ضمن ادای احترام به مهرایی گفت: پیش از انقلاب او در روزنامه‌ای کار می‌کرد و روح طنزش خوب بود. بعدها بارها دیدمش مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب. از من مراقبت کرد و این نشانه روح گسترده اوست و اینکه چه سماجتی به خرج داد برای انتشار مجلات و اسباب ترقی افراد فراهم کرد و بسیار شریف است. شریف ماندن مسئله سختی است. اگر آدم شریف باشد، کارهایش درست و ماندگار خواهد شد. مسعود مهرایی بعد از دریافت تندیس خود بیان کرد: از هیأت داوران و بیانیه‌ای که خوانده شد متشکر می‌کنم. ولی یک نکته‌من در سایت این انجمن دنبال آن بودم که ببینم درباره‌صیانت از نقد متنی نوشته شده‌است یا نه، ولی چیزی نیافتم. در بیانیه به نکاتی اشاره شد، تا چه‌اندازه صیانت از نقد است؟

سپس حمیدرضا مدقق برای برنامه شهر رنگ، پورا یا ذوالفقاری برای نقد فیلم «فروشنده»، یاشار نورایی برای نقد فیلم «آرایش غلیظ»، نیما حسنی نسب برای «گفت‌وگو با مسعود دهنمکی»، مهرداد فراهانی و زهرا عزیزمحمدی برای بهترین گزارش سینمایی، آرغوان آشتی برای بهترین ترجمه سینمایی، بابک کریمی و سعیده طاهری برای جایزه دوم ترجمه سینمایی، نینوشا صدر برای بهترین مقاله تحلیلی، امیرحسین سیادت برای مقاله تحلیلی-سینمایی و شاپور شهپازی برای بهترین مقاله تحلیلی -سینمایی به‌عنوان برگزیدگان این دوره معرفی شدند.

سپروس الوند پس از اهدای جوایز اظهار کرد: کار منتقد تربیت تماشاگر

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما گویی بوم و مراسمی عزاداری روح از حاضر می‌شوند. فیلمی که فاصله‌اش با فیلم بعدی، همان سگ کشی، ۱۰ سال به طول انجامید.

بیضایی از ایده‌اش چشم می‌پوشد، حالا روی پرده چشمانم در حال اکران بوده؛ امید و مقاومت زن فیلم برایم الگو شده بود گویی؛ گلرخ کمالی که مژده شمسایی به هیأتش در آمده بود، همان شمسایی، ماهرخ «مسافران» چقدر قد کشیده بود در سگ کشی. «مسافران»، نخستین فیلمی که از بیضایی دیده بودم، روی پای پدر در سینما. نگاه هما روستا، در نقش مهتاب، میخ شده بود به جانم؛ جمله‌ای که پیش از آغاز سفر به قصد آمدن به عروسی خواهرش، ماهرخ و آوردن آینه موروثی گفته بود: «ما به تهران نمی‌رسیم، ما می‌میریم». مهتاب و شوهر و دو فرزند مردند و آینه که در فرهنگ ایران نمادهای بسیاری دارد گم می‌شود؛ اما